

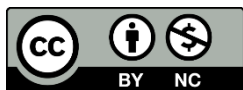
مبانی الهیاتی هیئت‌های تبشیری آمریکا و تأثیر آن بر رویکرد تبشیری آنان در ایران قاجاری

اعظم فولادی پناه^{ID} *، محمدعلی کاظم‌بیگی، جمال موسوی

گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: میان‌رشته‌ای حوزه موضوعی: ایران	حضور گسترده و نظام‌مند هیئت‌های تبشیری مسیحی در ایران، به دوره صفویه بازمی‌گردد. هیئت‌های تبشیری پروتستان نیز از دوره قاجار با هدف تبلیغ مسیحیت پروتستان به ایران آمدند. در میان هیئت‌های تبشیری پروتستان در ایران قاجاری، هیئت‌های تبشیری آمریکانگفت و قدرت بیشتری داشتند. به همین دلیل توانستند برای مدتی طولانی در ایران حضور داشته باشند و به فعالیت بپردازند. یکی از راه‌های تبیین عملکرد هیئت‌های تبشیری مسیحی، بررسی مبانی فکری و ایدئولوژی آن‌هاست. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با روش تاریخی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، مبانی ایدئولوژیکی هیئت‌های تبشیری آمریکایی در ایران قاجار تبیین و سپس تأثیر آن را بر رویکرد تبشیری آن‌ها در ایران قاجاری بررسی شود. همچنین، به این پرسش پاسخ داده شود که چرا هیئت‌های تبشیری آمریکا از طریق ایجاد شبکه‌ای از مدارس، بیمارستان‌ها و مراکز خدماتی به تبشیر مسیحیت در ایران قاجاری پرداختند. دستاوردهای پژوهش نشانگر آن است که هیئت‌های تبشیری آمریکا، بر اساس مبانی ایدئولوژیکی خاص خود، به مسیحی‌سازی جامعه ایرانی از طریق متمدن‌سازی اقدام کردند. آن‌ها با ابزارهایی چون مدارس، بیمارستان و نشریات طرح متمدن‌سازی و غربی‌سازی را آغاز کردند و تا پایان حضورشان در ایران از این روش پیروی کردند و آن را بسط و گسترش دادند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲	
واژگان کلیدی: ایران قاجاری، پسahزازه‌گرایی، جنبش بیداری بزرگ دوم، مسیحی‌سازی، متمدن‌سازی، هیئت‌های تبشیری آمریکا.	

ارجاع به این مقاله: فولادی پناه، ا.، کاظم‌بیگی، م.، موسوی، ج. (۱۴۰۳). «مبانی الهیاتی هیئت‌های تبشیری آمریکا و تأثیر آن بر رویکرد تبشیری آنان در ایران قاجاری». *مطالعات کشورها*. ۲(۴): ۵۷۵-۵۹۸. doi: <https://doi.org/10.22059/JCOUNTST.2024.376603.1129>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰
ناشر: دانشگاه تهران

نویسنده مسئول: ^{ID} fooladi.panah@ut.ac.ir - <https://orcid.org/0000-0003-4341-5479>

5479

۱. مقدمه

ورود هیئت‌های تبشیری مسیحی به‌طور سازمان‌یافته در ایران، به دوره شاه‌عباس صفوی بازمی‌گردد. سیاست‌های شاه‌عباس و نیز درگیری‌های دول اروپایی با امپراتوری عثمانی از عوامل تسهیل‌کننده این امر بود. در عصر صفوی، برخی کشیشان پروتستان همراه هیئت‌های سیاسی و تجاری دولت‌های انگلیس و هلند به ایران آمدوشد داشتند؛ اما، بیشتر هیئت‌های تبشیری کاتولیک بودند و رقابت آن‌ها، دامنه فعالیت‌های مذهبی کشیشان پروتستان را به اتباع اروپایی پروتستان محدود می‌کرد (لاکهارت، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۹؛ فولادی‌پناه، ۱۳۹۰: ۱۳۸). از این‌رو، نخستین هیئت‌های تبشیری پیرو مذهب پروتستان در سال ۱۷۴۷م/۱۱۶۰ق (تقریباً مقارن با مرگ نادرشاه) به ایران آمدند. این هیئت‌های تبشیری که آلمانی‌تبار و از فرقه موراوین^۱ بودند، با هدف تبشیر در میان زرتشتیان یزد پای به ایران نهادند، اما این سفر برای آنان موفقیتی در پی نداشت (برومند، ۱۳۸۰: ۸۳-۸۴؛ Speer, 1901: 214-215; Waterfield, 1973: 88-89).

در سده سیزدهم هجری/نوزدهم میلادی، ایران موج جدیدی از فعالیت هیئت‌های تبشیری آزاد یا منفرد پروتستان^۲ را شاهد بود. اینان پس از چندی اقامت، دیده‌ها و شنیده‌های خود در ایران را به انجمن‌های حامی خود انتقال می‌دادند. هنری مارتین^۳ یکی از مهم‌ترین افراد هیئت‌های تبشیری منفرد انگلیسی بود که پس از مدتی فعالیت تبشیری در هند، در عصر فتحعلی‌شاه قاجار (حک: ۱۲۱۱-۱۲۵۰ق/۱۷۹۵-۱۸۳۴م)، در سال ۱۲۲۶ق/۱۸۱۱م، به ایران آمد. مارتین، برخلاف هیئت‌های تبشیری کاتولیک و پروتستان پیش از خود که فعالیتشان روی اقلیت‌های دینی ایران تمرکز داشت، مستقیماً به‌سراغ اکثریت مسلمان ایران رفت؛ در شهرهایی چون شیراز، اصفهان و قم به تبشیر مسیحیت پرداخت و نسخه‌هایی از ترجمه فارسی/نجیل را در اختیار آنان قرار داد (برومند، ۱۳۸۰: ۸۵-۸۶؛ Speer, 1901: 215; Speer, 1902: 295-296). بدین ترتیب، آمدن هیئت‌های تبشیری آمریکایی به ایران دوره قاجار به‌طور دفعی و یکباره نبود. همچنین، در دوره فتحعلی‌شاه کمی پیش از ورود هیئت تبشیری آمریکا، ژوزف ولف^۴، کشیش انگلیسی، به ایران آمد و افزون بر اجازه برپایی مدرسه

1. Moravian
2. mission stiff or free lancer
3. Henry Martyn
4. Joseph Wolff

دخترانه، موافقت شاه را برای ترجمهٔ *تورات* جلب کرد (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۶۳؛ Bassett, 1890: 322; Waterfield, 1973: 95-97).

مبلغ بعدی‌ای که برای تبشیر مسیحیت در سال ۱۸۲۹م/۱۲۴۴ق به ایران آمد، پروتستانی آلمانی تبار بود به نام کارل گوتلیب فلندر (۱۸۶۵-۱۸۰۳م) که کتاب *میزان‌الحق* را دربارهٔ شواهد تطبیقی مسیحیت و اسلام نوشت (Speer, 1902: 296-297). فلندر برای مدتی در تبریز اقامت داشت. *میزان‌الحق* به زبان آلمانی نوشته شده بود و در سال ۱۸۳۵م/۱۲۵۰ق به فارسی ترجمه شد (والدبورگر، ۱۳۷۹: ۵۳-۵۴). مطالب این کتاب در حقیقت ایراد شبهه‌اتی با هدف رد دین اسلام بود. فاندن در این کتاب به دنبال آن بود که الهی بودن کتاب مقدس را به اثبات برساند و در مقابل سعی داشت وحیانی بودن آیات قرآن را زیر سؤال ببرد (Pfander, 1866: 63-64, 85-104).

در میان هیئت‌های تبشیری پروتستان در ایران، فضل تقدم با هیئت‌های تبشیری پروتستان آمریکاست. ورود نخستین هیئت‌های تبشیری آمریکا تنها چهار سال پس از معاهدهٔ ترکمانچای صورت گرفت که نفوذ روسیه را در ایران گسترش داد و چندی بعد اروپاییان را از حقوق فراسرزمینی برخوردار کرد. بدین ترتیب، دولت ایران دلیل مهمی برای استقبال از هیئت‌های تبشیری آمریکا داشت، زیرا ایالات متحده همچون اهرمی بالقوه در نظر گرفته می‌شد که می‌توانست علیه نفوذ روسیه و بریتانیای کبیر استفاده شود. این ایده در دههٔ ۱۸۵۰م/۱۲۶۶ق برجسته شد و به معاهدهٔ تجاری و دوستی بین دو کشور انجامید. باین حال، منشأ این سیاست را می‌توان در اوایل دههٔ ۱۸۳۰م/۱۲۴۵ق دید. همچنین، هیئت‌های تبشیری آمریکا، با توجه به امکانات مالی و شیوه‌های تبشیری خاص، مناطق و اتباع زیادی از ایران را تحت تأثیر فعالیت‌های خود قرار دادند. از این رو، مطالعهٔ چگونگی حضور و فعالیت‌های هیئت‌های تبشیری آمریکا در ایران دورهٔ قاجار از منظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت دارد.

با توجه به اینکه نوع عملکرد و فعالیت‌های هیئت‌های تبشیری آمریکا با مبلغان مسیحی پیشین در ایران متفاوت بود، شناخت مبانی ایدئولوژیکی و الهیاتی آن‌ها اهمیت زیادی دارد. چرایی بهره‌گیری هیئت‌های تبشیری آمریکا از ابزارهایی چون مدارس، بیمارستان‌ها و نشریات برای تبشیر مسیحیت در ایران قاجاریه، پرسش اصلی این پژوهش است. فرضیهٔ این پژوهش آن است که هیئت‌های تبشیری آمریکا بر اساس رویکرد ایدئولوژیکی خود، یعنی مسیحی‌سازی بر اساس

متمدن‌سازی، نمی‌توانستند مستقیم مسلمانان ایران را تبشیر کنند و به دلایل عمل‌گرایانه به شیوه متمدن‌سازی و غربی‌سازی، به تبشیر جامعه ایرانی در دوره قاجار پرداختند.

در این پژوهش، متغیر مستقل، مبانی ایدئولوژیکی هیئت‌های تبشیری آمریکا و متغیر وابسته رویکرد تبشیری هیئت‌های تبشیری ایران قاجاری است. این پژوهش، با رویکرد توصیفی-تحلیلی در حوزه مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی انجام شده است. روش تحقیق این پژوهش، روش تاریخی و مبتنی بر تحلیل رویدادهاست. در این روش، جمع‌آوری اطلاعات همسو با مسئله تحقیق، سنجش و ارزیابی اطلاعات، مقایسه اطلاعات و توصیف آن، تحلیل رویدادهای همسو با پرسش و اهداف تحقیق و ارزیابی نتایج با فرضیه پژوهش، دنبال شده است. درباره تأثیر مبانی فکری و ایدئولوژیکی هیئت‌های تبشیری آمریکا بر رویکرد تبشیری آنان در ایران قاجاری، پژوهش تخصصی صورت نگرفته است؛ هر چند مبانی فکری هیئت‌های تبشیری مسیحی به‌طور کلی، در برخی تحقیقات جدید خارجی منتشر شده است؛ از جمله در کتاب *دگرگونی تبشیر، تغییرات الگویی در الهیات تبشیر*، اثر دیوید جاکوبس بوش (Bosch, 1991). در این کتاب به روند تغییرات هیئت‌های تبشیری مسیحی شرق و غرب پرداخته شده است. همچنین، نویسنده در فصل ۸ و ۹، به برخی مبانی الهیاتی کلیساهای پروتستان در آمریکا، به‌طور کلی، می‌پردازد، اما به‌طور تخصصی وارد مباحث ایدئولوژیکی هر فرقه و تفاوت‌های تبشیری این فرقه‌ها در جهان نشده است.

عنوان کتاب دیگری در این زمینه، *هیچ‌چیز جز مسیح؛ روفوس اندرسون و ایدئولوژی هیئت‌های تبشیری خارجی پروتستان*، نوشته پل ویلیام هریس است (Harris, 1999). این کتاب در واقع، بر اساس پژوهش‌های نویسنده درباره تاریخ هیئت‌های تبشیری خارجی پروتستان در دانشگاه میشیگان آمریکا است. نویسنده در فصل ۳، به مباحثی چون جنبش‌های بیداری بزرگ اول و دوم و آثار آن بر برخی فرقه‌های مسیحیت پروتستان در آمریکا و نیز تأثیرات دیدگاه‌های روفوس اندرسون^۱ در شکل‌دهی مبانی فکری و ایدئولوژیکی هیئت‌های تبشیری آمریکا پرداخته است.

در این پژوهش، در بیان مطالب مرتبط با مبانی فکری و ایدئولوژیکی هیئت‌های تبشیری آمریکا با تحقیقات انجام‌گرفته اشتراکاتی وجود دارد، اما در هیچ‌یک از

1. Rufus Anderson (1796–1880)

پژوهش‌های انجام‌شده به‌طور تخصصی به موضوع تأثیرات مبانی فکری هیئت‌های تبشیری آمریکا بر شیوه‌های تبشیر در ایران دوره قاجار پرداخته نشده است.

۲. بحث

۱. ۲. آغاز جنبش تبشیری آمریکا، جنبش بیداری بزرگ دوم و پسا هزاره‌گرایی
بیشتر فرقه‌های پروتستان آمریکایی قبل از سال ۱۸۰۰م در حوزه‌های تبشیری ایالات متحده آمریکا متمرکز بودند. اهداف اولیه این هیئت‌های تبشیری، بومیان آمریکا بودند که یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تبشیری دهه ۱۸۰۰م را تشکیل می‌دادند (الدر، ۱۳۳۳: ۱-۲؛ Hutchison, 1987: 24). در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی، تغییرات زیادی در تشکیلات هیئت‌های تبشیری آمریکا ایجاد شد. انقلاب آمریکا، فرقه‌های پروتستان آمریکایی را از سازمان‌های اصلی بریتانیایی آن‌ها جدا کرد و کلیسای انگلستان به کلیسای اسقفی در ایالات متحده تبدیل شد؛ در حالی که دیگر فرقه‌های اصلی، مانند متدیست‌ها^۱ و پرزبیتریان‌ها^۲، تشکیلاتی جدای از کشور مادر (انگلیس) داشتند. این دگرگونی سیاسی سبب شد که هیئت‌های تبشیری آمریکا برای مدت کوتاهی به درون تشکیلات خود متمرکز شوند. این امر به تجدیدنظر در اهداف و مقاصد آن‌ها منجر شد (Davis, 2001: 45-46).

در اواخر قرن هجدهم میلادی، احیای دینی به نام دومین بیداری بزرگ

۱. کلیسا یا فرقه متدیست (Methodist) از فرق منشعب از کلیسای پروتستان انگلیس بود و جان وسلی و برادرش چارلز آن را در ۱۷۳۸م در لندن شکل دادند. جان وسلی، به‌منظور اعلام پیام خود، تعداد زیادی از واعظان را ثبت‌نام کرد تا با تعداد انگشت‌شماری از روحانیان دلسوز و تحت نظارت او در خدمت انجیل بپیوندند. او در سال ۱۷۴۴م آن‌ها را در لندن گرد هم آورد تا دربارهٔ دکتترین و سازماندهی گفتگو کنند. از جمله عقاید این فرقه، نجات از طریق فیض ایمان، توبه از گناهان و بازگشت به مسیح بود. آموزه‌های این فرقه، در چهار جلد اول موعظه‌های وسلی (۱۷۴۴-۱۷۶۰م) و یادداشت‌های توضیحی او بر عهد جدید (۱۷۵۵م) آموزش داده شده و به تصویر کشیده شده است و اساس همهٔ موعظه‌های متدیست را تشکیل می‌دهد. در آمریکا، متدیسم بسیار سریع‌تر از بریتانیا در طول قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی گسترش یافت و تقسیم شد. پیشروی متدیست‌ها در سال ۱۸۴۴م با تقسیم کلیسا به شاخه‌های شمالی و جنوبی بر سر مسئلهٔ برده‌داری به‌طور موقت متوقف شد. پس از جنگ داخلی، هر دو شاخه به افزایش سریع تعداد و منابع مادی ادامه دادند (برای اطلاع بیشتر نک: *Encyclopedia of Religion*, 2005, 9/ 5996-5999; *Britannica Encyclopedia of World Religions*, 2006: 722-723).

2. Presbyterian

(حدود ۱۷۹۵-۱۸۳۵م) در ایالات متحده آغاز شد.^۱ بدین ترتیب، نخستین جرقه‌های بیداری دوم در ۱۸۸۷م در کالج همپدن سیدنی^۲، کالج کوچکی در ویرجینیا، آغاز شد. این بیداری به تدریج به کالج واشینگتن^۳ سرایت کرد و از آنجا در سراسر کلیسای پرزبیتری در جنوب گسترش یافت. رشد جریان بیداری در ۱۸۰۲م در دانشگاه ییل^۴ به رهبری تیموئی دوایت^۵ (۱۸۱۷-۱۷۵۲م) آغاز شد. در اثر موعظه‌های وی، بسیاری از دانشجویان به ایمان مسیحی اعتراف کردند و این بیداری بعدها به کالج‌هایی نظیر دارتمث^۶ و ویلیامز^۷ سرایت کرد. این نهضت بیداری به تدریج، در مناطق مختلف آمریکا گسترش یافت. از جمله پیامدهای بیداری دوم، اعتلای اخلاقیات، به‌ویژه در مناطق مرزی آمریکا و گسترش فعالیت‌های تیشیری در داخل ایالات متحده و در خارج آن بود (Cairns, 1996: 428-436).

جنبش بیداری بزرگ دوم، گسترش هیئت‌های تیشیری خارجی را در پی داشت و به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری طیف وسیعی از جنبش‌های اصلاحی، مانند لغو قانون برده‌داری و حق رأی زنان تأثیر گذاشت (Frank, 1986: 11-12; Balmer, 1999: 1,10; Davis, 2001: 46). همان‌طور که راندال بالمر^۸، مورخ و پژوهشگر دینی، اشاره می‌کند، موضوع اصلی در پروتستانتیسم آمریکایی قرن نوزدهم میلادی، پسا هزاره‌گرایی^۹ بود که در جنبش بیداری بزرگ دوم ریشه

۱. جنبش بیداری بزرگ اول (The First Great Awakening) بیشتر بین سال‌های ۱۷۲۰ و ۱۷۴۰م در ایالات متحده آمریکا رخ داد. این احیای دینی، بیشتر در میان اصلاح‌طلبان هلندی، کانگرگیشنالیست‌ها، پرزبیتری‌ها، باپتیست‌ها و برخی اعضای انجمن انگلیکن و بیشتر کالونیست‌ها انجام گرفت. از چهره‌های بزرگ این جنبش جورج وایتفیلد (George Whitefield) و جان‌اتان ادواردز (Jonathan Edwards)، بودند. این جنبش دینی رشد چندین مؤسسه آموزشی، از جمله دانشگاه‌های پرینستون (Princeton University)، براون (Brown University) و راتگرز (Rutgers University) و کالج دارتمث (Dartmouth College) را موجب شد. (برای اطلاع بیشتر نک: Bushman, 1969: xi-xiv; Smith, 2015: 295-301; Kidd, 2007: 268-287).

2. Hampden-Sydney College

3. Washington College

4. Yale University

5. President Timothy Dwight

6. Dartmouth College

7. Williams College

8. Randall Balmer

۹. پسا هزاره‌گرایی (postmillennialism) دیدگاهی بود که در قرن نوزدهم میلادی برخی سران مذهب پروتستان آمریکایی مطرح کردند. این دیدگاه مبین آن است که بازگشت مسیح در پایان دوره نیکوکاری و صلح رخ خواهد داد که عموماً آن را هزاره می‌نامند (و ضرورتاً هزار

داشت. پسا هزاره گرایی مفهومی معادشناختی است مبنی بر اینکه عیسی مسیح پس از استقرار پادشاهی خود بر روی زمین، به طور جسمانی برای حکومت برمی گردد. استدلال متقابل پیشاهزاره گرایی^۱ این بود که مسیح تمام مسیحیان واقعی را قبل از شروع مصیبت بزرگ با خود به بهشت خواهد برد. اگرچه هم پسا و هم پیشاهزاره گرایان، هیئت‌های تبشیری را به خارج از آمریکا می‌فرستادند، پسا هزاره گرایی بیشتر در قرن نوزدهم میلادی در میان هیئت‌های تبشیری رایج بود. پسا هزاره گرایان تصور می‌کردند که گسترش مسیحیت از طریق تبشیر، کلید استقرار پادشاهی کامل مسیح بر روی زمین خواهد بود (Bosch, 1991: 314; Oren, 2007: 88; Davis, 2001: 46-47).

خوش بینی پسا هزاره گرایی که در جنبش بیداری بزرگ دوم رشد کرد، علاوه بر گسترش جنبش تبشیری در خارج از آمریکا، به ایجاد طیف گسترده‌ای از جنبش‌های اصلاحی کمک کرد. همه این‌ها بخشی از این ایده بود که پادشاهی

سال طول نمی‌کشد). الهی‌دانان محافظه‌کار و برجسته پروتستان، مانند اساتید دانشگاه پرینستون، همچون چارلز هاج (۱۷۹۷-۱۸۷۸ م) و بنیامین بی وارفیلد (۱۸۵۱-۱۹۲۱ م)، این دیدگاه را پذیرفتند که خدا اهداف خود را از طریق غلبه روزافزون انسان بر شر برآورده می‌سازد که در نهایت به جهان مسیحی منجر می‌شود. در پسا هزاره گرایی اعتقاد بر این است که کلیسا در تبدیل تمام ساختارهای اجتماعی قبل از بازگشت دوباره، و در تلاش برای ایجاد «عصر طلایی» مشتمل بر صلح و تمکن و پیشرفت در آموزش، هنر، علم و پزشکی، نقشی اساسی ایفا می‌کند. با آنکه پیشاهزاره گرایان عموماً دیدگاهی منفی دارند، پسا هزاره گرایان بسیار خوش بین تر هستند. منتقدان آن‌ها چنین استدلال می‌کنند که اعتبار این دیدگاه، به دلیل خسارات مالی و جانی در جنگ‌های جهانی اول و دوم، به شدت زیر سؤال رفت؛ چراکه در این دو جنگ توسل به پیشاهزاره گرایی، به خصوص در آمریکای شمالی، افزایش پیدا کرد (برای اطلاع بیشتر نک: مک گراث، ۱۳۹۳: ۸۸۶).

۱. پیشاهزاره گرایی (premillennialism) دیدگاهی بود که به برهه گرایی مربوط است و در آن اعتقاد بر این است که فردی که با عنوان «ضدمسیح» معروف است، بر روی زمین ظاهر خواهد شد و دوره هفت ساله درد و رنج را هدایت خواهد کرد که با عنوان «محنت» شناخته می‌شود. این دیدگاه تا سال ۴۰۰ م بر کلیسای نخستین حاکم بود. بر اساس این روایت از پایان جهان، این دوره عظیم انهدام، جنگ و بلا بر روی زمین، با شکست شر به وسیله خدا در نبرد آرماگدون پایان خواهد یافت. بعد از این مسیح برای حکومتی هزارساله (خود هزاره) به زمین باز خواهد گشت. طی این دوره هزار ساله، سرانجام نیروهای شر شکست خواهند خورد. معمولاً اعتقاد دیگری با عنوان «شور قبل از محنت» همراه این اعتقادات وجود دارد که بر اساس آن مسیحیان قبل از زمان محنت و بازگشت دوباره، از زمین عروج خواهند کرد. درک این نکته مهم است که پیشاهزاره گرایان درباره جهان دیدگاه بسیار بدبینانه‌ای دارد. اعتقاد بر این است که امور زمینی فاسد است و تا زمانی که خدا پایان تاریخ را رقم بزند این گونه خواهد بود (برای اطلاع بیشتر نک: مک گراث، ۱۳۹۳: ۸۸۵).

خدا می‌تواند از طریق اصلاحات گسترده در داخل و تیشیر در خارج از کشور بر روی زمین استقرار یابد. دست‌کم در ذهن هیئت‌های تیشیری، جنبش تیشیری بخش دیگری از جنبش‌های اصلاحی اجتماعی آن روز به‌شمار می‌رفت (Balmer, 1999: 77-78; Hutchison, 1987: 79; Harris, 1999: 10, 47).

۲.۲. رویکردها در فعالیت تبلیغی: «مسیحی‌سازی» و «تمدن‌سازی» جوامع غیرمسیحی از دیدگاه ایدئولوژیکی، دغدغه اصلی هیئت‌های تیشیری خارجی آمریکا^۱ مسیحی‌شدن جهان بود. تنش اصلی در سازمان تیشیری و در واقع در بیشتر جنبش‌های تیشیری، مفاهیم دوگانه «مسیحی‌شدن» یا «تمدن» یا به قول ویلیام هاچیسون، مسیحیت یا فرهنگ بود (Hutchison, 1987). بدین ترتیب، در اواخر دهه ۱۸۳۰م، در هیئت‌های تیشیری خارجی آمریکا، موضوع ارتباط بین «مسیحی‌سازی» و «تمدن‌کردن» مطرح شد. رویکرد تمدنی، تنها راه مسیحی‌سازی در فرهنگ‌های بیگانه غیرمسیحی یا القای عناصر تمدن «مسیحی» (به‌معنای غربی) در فرهنگ آن‌ها بود.^۲ در نتیجه، در هیئت‌های تیشیری «تمدن‌ساز» اولویت با برنامه‌های بشردوستانه و آموزشی و در مرحله بعد با تیشیر بود.

هیئت‌های تیشیری‌ای که از این مدل استفاده می‌کردند، بر عملی‌ساختن

۱. هیئت‌های تیشیری خارجی آمریکا (The American Board of Commissioners for Foreign Missions (ABCFM)) یکی از نخستین سازمان‌های تیشیری مسیحی آمریکا بود که در سال ۱۸۱۰م فارغ‌التحصیلان کالج ویلیامز (College Williams) در شهر بوستون، در ایالت ماساچوست آن را تأسیس کردند. در قرن نوزدهم میلادی، این هیئت بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سازمان تیشیری آمریکا و متشکل از فرقه‌هایی از سنت‌های اصلاح‌شده پروتستان مانند پرزبیتترین‌ها، جماعت‌گرایان (Congregationalist) و کلیساهای اصلاح‌شده آلمانی و هلندی بود (Smylie, 1996: 76-77, 87).

۲. این خواسته‌های هیئت‌های تیشیری آمریکا در واقع، از تلاش‌های قبلی برای مسیحی‌کردن سرخپوستان آمریکا شکل گرفته بود. هیئت‌های تیشیری اولیه پیوریتن (Puritan) در زمان سرخپوستان آمریکا به‌شدت بر تیشیر تأکید داشتند. آن‌ها لازم دیدند که سرخپوستان را «تمدن» کنند؛ یعنی، به آن‌ها هنر، علوم و فرهنگ غربی بیاموزند تا آن‌ها را مسیحی کنند. در دهه ۱۷۰۰م، دیدگاه رایج کاتن ماطر (Cotton Mather)، واعظ برجسته پروتستان، این‌گونه مطرح شد: «بهترین کاری که می‌توانیم برای سرخپوستان انجام دهیم این است که آن‌ها را انگلیسی‌مآب (anglicize) کنیم. آن‌ها باید قبل از اینکه مسیحی شوند، تمدن باشند.» بنابراین، مبلغان آموزش، دموکراسی، مراقبت‌های بهداشتی و رشد اقتصادی را مکمل و درهم‌تنیده با اهداف تبلیغی می‌دانستند (برای اطلاع بیشتر نک: Hutchison, 1987: 24, 29; Grabill, 1971: 5; Makdisi, 2008: 26).

ایمان خود از طریق کاهش رنج و بازسازی جوامع «بومی» در جهت خطوط غربی تأکید داشتند (Davis, 2001: 48). مدارس و بیمارستان‌ها نهادهای اصلی چنین رویکردی بودند. از سوی دیگر، رویکرد مسیحی‌سازی، فرهنگ را مانعی برای گسترش انجیل می‌دانست، نه کمکی برای آن. هیئت‌های تبشیری انجیلی معتقد بودند که تنها هدف باید موعظه انجیل برای شمار چشمگیری از مردم باشد. برای این منظور، لازم است ضمن اجتناب از ظاهر غربی، با فراگیری زبان‌ها و تشبه به بومیان، با اهالی مناطق ذی‌ربط ارتباط برقرار کرد و موانع فرهنگی بر سر راه پذیرش مسیح را از میان برداشت (Hutchison, 1987: 64-65, 77-85; Harris, 1999: 36-39, 153-155; Davis, 2001: 48-49). روفوس اندرسون (۱۷۹۶-۱۸۸۰م) نخستین نماینده رویکرد «مسیحی‌سازی» بود که از اواسط قرن نوزدهم میلادی در هیئت‌های تبشیری خارجی آمریکا نقش را برتر داشت.^۱ او با تأکید بر شکست راهبرد متمدن‌سازی بومیان در هند، غرب آسیا و آمریکا، با ایده «وحشیان قبل از مسیحی‌شدن باید متمدن شوند»، شدیداً مخالفت کرد (Anderson, 1872: 1/1-2, 109-110; Hutchison, 1987: 62-77; Harris, 1999: 11-24, 156-159; Becker, 2015: 16-18).

دو رویکرد مسیحی‌سازی و متمدن‌سازی در عمل به‌ندرت در شکل خالص خود اجرا می‌شد. اکثر هیئت‌های تبشیری این دو را به طرق مختلف ترکیب می‌کردند، اما به‌طور کلی، یکی از رویکردها را بر دیگری برتری می‌دادند. حتی هیئت‌های تبشیری‌ای که به رویکردهای متضاد پای‌بند بودند، اغلب در پایگاه‌های تبشیری هم‌زیستی داشتند. بسیاری از مبلغان نیز به رابطه متقابل بین این دو رویکرد پی برده بودند، زیرا به‌رغم تفاوت، ابزار کار برای هدف نهایی مشترک، یعنی تبشیر جهانی، بود. بسیاری از کسانی که به اولویت مسیحی‌شدن باور داشتند، معتقد بودند که فرهنگ‌های پذیرای مسیح در نهایت مطابق با خطوط غربی «متمدن» خواهند شد (Davis, 2001: 49).

باین‌حال، در اواخر سده ۱۹ میلادی تغییری در رویکرد تبشیری اتفاق افتاد.

۱. هیئت‌های تبشیری آمریکایی همچنین موافق آرای نظریه‌پردازانی چون فردریش شلایرماخر (Friedrich Schleiermacher) و جان لاک (John Locke) بودند. شلایر ماخر در ۱۷۹۹م مبین و مصدق جداکردن دین از متافیزیک و اخلاق بود. از این منظر، دین قبل از هر چیز احساسی و درباره وابستگی به خالق بود، نه نظام اخلاقی یا فکری. جان لاک نیز معتقد بود دین واقعی چیزی در قلب انسان است و در ذات متشکل از اعمال نیست (برای اطلاع بیشتر نک: الدر، ۱۳۴۹: ۴۵-۴۶، ۸۳-۸۴؛ Becker, 2015: 18-19).

تمرکز تنها بر دین، جای خود را به تلاش برای تحول تمدن داد. در بسیاری از هیئت‌های تیشیری در غرب آسیا، از جمله هیئت‌های تیشیری بریتانیا، آمریکا و آلمان می‌توان روند عرفی‌سازی فعالیت‌های تیشیری را تشخیص داد. این تغییر احتمالاً در همگراشدن دو تحول ریشه داشت: الف) آرزوی رو به رشد برای جذب بیشتر مسلمانان که کم‌رنگ شدن نقش فعالیت‌های دینی مبلغان را موجب می‌شد؛ ب) گرایش گسترده جهانی به سوی توسعه مؤسسات پیشرفته آموزش عالی و مراقبت‌های پزشکی. آنچه گفته شد به نوع دیگری از تیشیر نیاز داشت: زن یا مردی که پزشک یا معلم تحصیل کرده باشند، نه کشیش یا مأمور تیشیری صرف. با وجود این، در کنار هیئت‌های تیشیری تا حدودی سکولار و غالباً لیبرال، هیئت‌های مأمور به تغییر دین به گونه‌ای مستمر به غرب آسیا وارد می‌شدند. نتیجه تحول یادشده گام برداشتن به سمت انجیل اجتماعی مترقی بود که آمریکایی‌ها مدعی آن محسوب می‌شدند (Becker, 2015: 16-18).

۳.۲. انشقاق در هیئت‌های تیشیری خارجی آمریکا

با گذشت قرن نوزدهم میلادی و تسلط نهادی هیئت‌های تیشیری خارجی آمریکا بر هیئت‌های تیشیری خارجی ایالات متحده آمریکا، این نهاد با چالش‌های جدی مواجه شد؛ تأکید بر گسترش انجیل به تنهایی با رویکرد جدیدی جایگزین شد که بر اهمیت مسیحیت و تمدن تأکید می‌کرد. یکی از دلایل این امر افزایش هیئت‌های تیشیری جداگانه در کنار هیئت‌های تیشیری خارجی آمریکا بود. فرقه‌های اصلاح‌شده هلندی،^۱ اصلاح‌شده آلمانی،^۲ و فرقه‌های پرزبیتین مدرسه جدید^۳ یک‌به‌یک از هیئت‌های تیشیری خارجی آمریکا خارج شدند. آن‌ها تا حدی، به واسطه اعتراض به برتری کانگرگیشنالیست‌ها^۴ در این سازمان، همچنین به دلیل

1. The Reformed Dutch

2. The German Reformed

3. New School Presbyterian

۴. کلیسای کانگرگیشنال (Congregational church) یا کلیسای جماعت‌گرا حاصل ایجاد جنبش جماعت‌گرایی بود؛ جنبشی که در میان کلیساهای پروتستان در انگلستان در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی به وجود آمد و بر حق و وظیفه هر جماعتی برای تصمیم‌گیری مستقل درباره امور خود، مستقل از هر مقام بالاتر انسانی تأکید داشت. در قرن نوزدهم میلادی، جماعت‌گرایان در انگلیس پیوند محکمی با حزب لیبرال برقرار کردند. عقاید و اعمال اکثر جماعت‌گرایان به‌طور کلی، شبیه به سایر کلیساهای پروتستان انجیلی اصلی از نوع لیبرال است. جماعت‌گرایی بیشترین نفوذ خود را در ایالات متحده به دست آورد. همچنین، در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، جماعت‌گرایان با کلیسای پرزبیتین در آمریکا

تمایل آنان برای تشکیل هیئت‌های تبشیری تحت کنترل خود، به این کار دست زدند. مدل جدیدی که این هیئت‌های تبشیری پس از دهه ۱۸۷۰م دنبال کردند، تمدن و مسیحی‌سازی هم‌زمان بود که این دو را برای یک هدف، یعنی مسیحی‌سازی جهان، لازم می‌دانستند (Hutchison, 1987:91-124; Harris, 1999:162; Davis, 2001:50).

هیئت تبشیری‌ای که رویکرد جدید را محقق کرد، هیئت تبشیری خارجی^۱ کلیسای پرزبیتری ایالات متحده آمریکا بود. پرزبیتری‌ها، اگرچه علاقه‌مند به هیئت‌های تبشیری خارجی بودند، قبل از دهه ۱۸۷۰م بر امر «هیئت‌های تبشیری خانگی» (کار انجیلی در ایالات متحده) تمرکز داشتند. تمرکز داخلی تا حدی ناشی از اتحاد سازمانی آن‌ها با کانگرگیشنالیست‌ها بود که تا سال ۱۸۵۲م ادامه داشت. برخی از آن با عنوان «پرزبیتری‌گاسیونالیسم»^۲ یاد می‌کردند. به این ترتیب، هیئت‌های تبشیری خارجی به هیئت‌های تبشیری خارجی آمریکا واگذار شد که بیشتر کانگرگیشنالیست‌ها را شامل می‌شد، حال آنکه پرزبیتری‌ها بر اصلاحات اجتماعی داخلی، مانند لغو برده‌داری (در میان پرزبیتری‌های شمالی) و حق رأی زنان تمرکز کردند. شکاف عمیق بین جماعت پرزبیتری‌های شمالی و جنوبی بر سر لغو برده‌داری و دیگر نگرانی‌های مقطعی نیز مانع از فعالیت‌های آن‌ها در هیئت‌های تبشیری خارجی شد. پس از اینکه طرح اتحاد بین کانگرگیشنالیست‌ها و پرزبیتری‌ها در سال ۱۸۵۲م با شکست مواجه شد، پرزبیتری‌ها از هیئت‌های تبشیری خارجی آمریکا خارج شدند و هیئت تبشیری خود را تشکیل دادند (Smylie, 1996: 73-77,86,88-89; Davis, 2001: 50-51).

دخالت عمیق پرزبیتری‌ها در جنبش‌های اصلاحات اجتماعی، که از جنبش بیداری بزرگ دوم ناشی می‌شد، در موضع‌روشن‌شناختی مورد حمایت هیئت‌های

متحد شدند. کلیساهای جماعت‌گرا در تاریخ سیاسی، مذهبی و فرهنگی ایالات متحده نقش مهمی داشته‌اند. اعمال آن‌ها درباره حکومت کلیسا بر توسعه اولیه نهادهای دموکراتیک در نیوانگلند تأثیر گذاشت و برخی از قدیمی‌ترین مؤسسات آموزشی کشور، مانند هاروارد و دانشگاه ییل، برای تربیت روحانیان فرقه کانگرگیشنال تأسیس شد. پیروان این کلیسا، در ایالات متحده، انگلیس و ولز بیشترین تعداد را دارند، اما اخیراً اکثر آن‌ها به دیگر فرق پروتستان پیوسته‌اند تا کلیساهای متحدی را در چندین بخش از جهان تشکیل دهند (برای اطلاع بیشتر نک: *Encyclopedia of Religion*, 2005: 3/ 1937-1939; *Britannica*, 2006: 260-261).

۱. هیئت تبشیری خارجی (BFM: Board of Foreign Missions)

2. Presbygationalism

تبشیری خارجی پرزیتترین منعکس شد. همان‌طور که ویلیام هاچیسون نشان می‌دهد، هیئت تبشیری خارجی به‌طور هم‌زمان باورمند به متمدن‌سازی و مسیحی‌سازی شد. این تا حدی بازتابی از برتری غرب در همه عرصه‌ها بود. اگرچه هیئت‌های تبشیری به بسیاری از عناصر امپریالیسم غربی مانند اولویت مادی و اقتصادی بر نگرانی‌های معنوی و ورود رذیلت‌های غربی انتقاد داشتند، معتقد بودند که می‌توانند امپریالیسم را از طریق هیئت‌های تبشیری خارجی بومی کنند (Hutchison, 1987: 110-124; Harris, 1999: 162; Davis, 2001: 51). آدام بکر، پژوهشگر آمریکایی، معتقد است که هیئت‌های تبشیری زمینه را برای معرفی سلطه‌های جدید مانند استعمار فراهم کردند. علاوه بر این، می‌توان میسیون مسیحی، امپریالیسم و لیبرالیسم را سه ضلع یک مثلث دانست. اگرچه این سه گاهی در تنش بودند، اغلب با یکدیگر هم‌افزایی داشتند. علاوه بر پیوندهای اساسی میان آن‌ها، واضح است که دین گاهی توجیه فرهنگی اساسی برای گسترش امپریالیسم محسوب می‌شد. در بسیاری از کتاب‌های تبشیری در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، تمرکز استعمار تبشیری بیان‌شده معمولاً در زمینه امپراتوری بریتانیا، هیئت‌های تبشیری اعزامی به عثمانی و ایران قاجاری بود (Becker, 2015: 27, 29-30).

۴.۲. آغاز حضور و فعالیت هیئت تبشیری آمریکا در ایران

نخستین هیئت تبشیری آمریکا که برخلاف هنری مارتین بر تغییر کیش مسلمانان متمرکز بودند، ابتدا تصمیم گرفتند تنها بر اقلیت‌های مسیحی متمرکز شوند. یکی از دلایل این تصمیم، غیرقانونی بودن گرویدن مسلمانان به مسیحیت بود. افزون آنکه، طبق شریعت اسلام، ارتداد مشمول مجازات اعدام بود؛ البته، این حکم به ندرت اجرا می‌شد. یکی دیگر از موانع قانونی تبشیر در میان مسلمانان این بود که خانواده نومیسیحی می‌توانست اموال او را مصادره کند. این قانون تا قرن بیستم میلادی در ایران پابرجا بود.

مانع دیگر، مقاومت فکری و اعتقادی مسلمانان در برابر مسیحیت، به‌رغم کنجکاوی اولیه آن‌ها بود. برای همین هیئت‌های تبشیری ابتدا امید داشتند که مسلمانان از طریق هم‌وطنان مسیحی خود^۱ پیام انجیل را بشنوند (Benjamin,)

۱. هیئت‌های تبشیری در برخی مقاصد مورد نظر خود- به‌طور مثال، هند، چین، آفریقا، و جزایر اقیانوس آرام- با توجه به نبود تعداد قابل توجهی از مسیحیان بومی، اعزام هیئت‌های تبشیری برای انجام مستقیم تبشیر را برنامه‌ریزی کردند. از سوی دیگر، در غرب آسیا، جمعیت مسیحی

هیئت تبشیری مرکزی آمریکا همچنان به تبشیر مستقیم در میان مسلمانان تمایل و علاقه داشت. از این رو، هم‌زمان با اعزام جاستین پرکینز به میان آسوریان ارومیه، یکی از مبلغان خود یعنی جیمز لیمان مریک^۱ را به مناطق مسلمان‌نشین ایران اعزام کرد. مریک در ۱۸۳۶م / ۱۲۵۱ق به اتفاق دو مبلغ آلمانی به تهران، تبریز، اصفهان و شیراز مسافرت کرد و دربارهٔ مشاهدات خود گزارش ناامیدکننده‌ای داد. به گفتهٔ او، هنگام ورود به اصفهان، به سبب آشوبی که برای قتلشان به راه افتاده بود، حاکم اصفهان ۳۰ نفر را مأمور حفاظت از آن‌ها کرد. مریک همچنین، گزارش داد: «روزنهٔ امیدی که در تهران برای شروع فعالیت تبشیری وجود دارد، بسیار باریک است، ولی وضع اصفهان از این حیث به نیمه‌های شب تاریک شباهت دارد» (الدر، ۱۳۳۳: ۲-۳؛ *Report of the American Board of Commissioners for Foreign Missions, 1837: 67-69; 80: Perkins, 1843: 259,274; Ameer, 2008*). او در گزارش خود نتیجه گرفت که اسلامگرایی «شاهکاری از مهارت و قدرت، در عین حال گودالی بی‌انتهاست که به راحتی نمی‌توان آن را درک کرد و پر نمی‌شود.» از همین رو، «موعظهٔ عمومی برای ایرانیان نه تنها به مصلحت نیست، بلکه عملی نیست.» مریک در مه ۱۸۳۷م / ۱۲۵۲ق به تبریز بازگشت، در حالی که مشاهداتش شوروشوق تبلیغ در ایران را کاهش داده بود (Jewett, 1909: 80-81). به سبب همین اظهارات دلسردکنندهٔ جیمز مریک، هیئت تبشیری مرکزی آمریکا فعالیت‌های تبشیری در میان مسلمانان ایران را متوقف و مریک را به ارومیه منتقل کرد (Ibid, 81).

۵.۲. شیوه‌ها و ابزارهای هیئت‌های تبشیری آمریکا برای متمدن‌سازی

هیئت‌های تبشیری آمریکا از بدو ورود به ایران و فعالیت در نواحی شمال‌غربی ایران در جهت غربی‌سازی جوامع ایرانی به خصوص آسوریان آذربایجان اقداماتی

به اندازهٔ کافی وجود داشت که می‌توانستند با آموزش مناسب، وظیفهٔ تبشیر در میان اکثر مسلمانان را بر عهده بگیرند. غربی‌ها به این فرض منطقی باور داشتند که اخبار معاد شناختی و پیام رستگاری، بهتر از بومی‌ها دریافت می‌شود تا خارجی‌ها. نخستین و اصلی‌ترین کار این بود که مردان محلی و بومی را برای تبدیل شدن به واعظان مؤثر و مردان و زنان محلی را برای معلمی مدرسه آماده کنند. راهبرد دوم این بود که این مدارس باید ایجاد شود تا آمادگی کیفی واعظان و معلمان به انجام رسد (برای اطلاع بیشتر نک: Becker, 2008: 82; Ameer, 2008: 16-17).

1. James L. Merrick (1803–66)

انجام دادند. هیئت‌های تبشیری اولیه که از فرقه کانگرگیشنال بودند، هر چند بیشتر به امر مسیحی‌سازی محض تأکید داشتند، از همان آغاز سعی داشتند مردم را با فناوری و دانش غرب آشنا کنند و از این طریق مردم را جذب و سپس آن‌ها را تبشیر کنند. به‌طور مثال، جاستین پرکینز، مبلغ آمریکایی، بر این باور بود که شگفتی‌های جهان و آمریکا مشوق و ترغیب‌کننده ایرانیان به شناخت آمریکا خواهد بود؛ ایرانیانی که آمریکا را «ینگی دنیا»، به‌معنای «دنایای جدید» نامیده بودند. از این‌رو، با بهره‌گیری و نمایش ابزارهایی چون میکروسکوپ، نقشه و کره زمین آسوریان و رهبران‌شان را جذب می‌کردند (Perkins, 1843: 301, 491).

همچنین، فردریک گن، مبلغ آمریکایی، گزارش‌های مفصلی از تمایل مردم به ابزارهایی چون گرامافون و دوچرخه در منطقه آذربایجان تهیه کرد (Coan, 1939: 231-234). با انتقال مسئولیت تبشیر در ایران از هیئت‌های تبشیری خارجی آمریکا (کانگرگیشنالیست‌ها) به هیئت‌های خارجی پرزبیتی در ۱۸۷۰م/۱۲۸۶ق، تغییر مهم و درعین‌حال ظریفی پدید آمد که آن پایان تأکید بر تبشیر صرفاً تبلیغی مسیحی در ایران محسوب می‌شد؛ زیرا هیئت‌های تبشیری آمریکا از مدت‌ها قبل خواهان آن بودند که از علاقه روزافزون مردم به آموزش غربی بهره‌مند شوند و از آن برای گسترش فعالیت و نفوذ خود در ایران استفاده کنند. در واقع، تا آن زمان (دهه ۱۸۷۰م/۱۲۸۶ق) شمار زیادی از هیئت‌های تبشیری با مقاومت در برابر این خواسته، فعالیت آموزشی خود را به کار تبشیر و مسیحی‌سازی محدود ساخته بودند. بدین‌گونه هیئت تبشیری پرزبیتی بر اساس توافق در تقسیم کار، روش متفاوتی را در چارچوب «هیئت تبشیری متمدن‌ساز» اتخاذ کرد که پیش‌تر در سیاست‌های اندرسون تأیید نمی‌شد. این رویکرد به سبب گسترش پیروزمندانۀ تمدن غرب در سراسر جهان، اعتبار جدیدی به‌دست آورده بود (Hutchison, 1987: 91-92; Davis, 2001: 72). بنابراین، در دوره جدید فعالیت هیئت‌های تبشیری آمریکا با رشد چشم‌گیر اقدام‌های آن‌ها در جهت متمدن‌سازی و مدرن‌سازی جامعه ایرانی روبه‌رویییم. هیئت‌های تبشیری آمریکا برای اجرای طرح مسیحی‌سازی از طریق متمدن‌سازی به ابزارهایی نیازمند بودند. در ادامه مهم‌ترین این ابزارها را بررسی می‌کنیم.

۲.۵.۱. مدارس

هیئت‌های تبشیری آمریکا، پس از استقرار در ایران، به‌تدریج به ایجاد شبکه‌ای گسترده از مدارس در ایران اقدام کردند، شامل مدارس ابتدایی، کالج، مدارس

روستایی و مدارس یک‌شنبه. از این رو، برای تعلیم و آموزش تمامی رده‌های سنی تمهیداتی اندیشیده بودند. به‌طور مثال، مدارس یک‌شنبه برای بزرگسالان مشتاق به تحصیل ایجاد شده بود تا این‌گونه آسوریان بزرگسال بتوانند یک روز در هفته را به آموزش خود اختصاص دهند (فولادی پناه و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۹۸-۲۹۹). این مدارس در مناطقی از ایران پراکنده بود که هیئت تبشیری آمریکا در آن پایگاه‌هایی داشت. به این ترتیب، در شهرهای ارومیه، تهران، همدان، تبریز، رشت و کرمانشاه مدارس احداث شد که نخست، به واسطه محدودیت‌هایی، به اقلیت‌های دینی اختصاص داشت؛ اما، به تدریج مسلمانان نیز در این مدارس ثبت‌نام کردند. در این مدارس غیر از کتاب مقدس، دروسی چون حساب، فلسفه، تاریخ، جغرافیا، نجوم، زیست‌شناسی، شیمی، زبان‌های انگلیسی و فرانسوی، تجارت و بازرگانی، و علوم اجتماعی آموزش داده می‌شد. گفتنی است که در مدارس دخترانه و پسرانه تبشیری، در کنار برنامه آموزشی آکادمیکی، حرفه‌های مربوط به زنان و مردان - همچون بافندگی، خیاطی، گلدوزی، نجاری و آهنگری - آموزش داده می‌شد (استادوخ، ۶۲-۱۲۵۶ق: ک ۵، پ ۱۳، ۷؛ الدر، ۱۳۳۳: ۱۴-۱۶؛ ناصر، ۱۳۲۳: ۴۹-۵۰؛ Malek Yonan, 1898: 157-158; Fiske, 1868: 277, 279; Coan, 1939: 229; Boyce, 1954: 10-12).

در این مدارس، مباحثی چون دموکراسی و آزادی آموزش داده می‌شد. همین امر موجب شده بود که ناصرالدین شاه و میرزا آقاخان نوری به فعالیت این مدارس واکنش نشان دهند و برای بستن این مدارس فرامینی صادر کنند. به‌طور مثال، شاه در نامه‌ای خطاب به میرزا محمدصادق قائم‌مقام، پیشکار مستقل آذربایجان در این دوره، فرمانی علیه این اقدام‌های هیئت تبشیری آمریکا صادر کرد. ناصرالدین شاه در این نامه هیئت‌های تبشیری مسیحی را «اغواگرانی» می‌داند که عیسویان (نسطوریان) ایران را از دین اصلی خود گمراه کرده‌اند تا مذهب و دین دیگری اختیار کنند. او همچنین، به این موضوع اشاره می‌کند که آن‌ها ضمن یاد دادن قواعد آزادی به مردم، کتب قواعد آزادی را به اطفال آموزش می‌دهند و از این امر باید جلوگیری شود، چراکه از نظر شاه ایران «ضرر فاحش به قوانین و رسوم مملکت» به‌شمار می‌رفت (هاشمیان، ۱۳۹۰: ۷۱۱-۷۱۳). با وجود این، به تدریج نوع نگاه ناصرالدین شاه به این مدارس تغییر کرد.

کارکرد و بازده این مدارس به گونه‌ای بود که رجال و مقام‌های قاجاری نیز به تحسین عملکرد مدارس هیئت‌های تبشیری آمریکا پرداختند، چنانکه

قهرمان میرزا عین‌السلطنه از مدرسه تبشیری دخترانه در همدان تعریف و تمجید کرده است؛ یا شخصیت‌هایی چون عبدالحسین میرزا فرمانفرما، امین‌الدوله، امجدالسلطنه، و حسام‌الممالک فرزندان خود را در این مدارس نام‌نویسی کردند (قهرمان میرزا عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۳۷۷/۱-۳۷۸؛ فرمانفرمائی‌ان، ۱۳۸۳: ۷۵-۷۶؛ عالم نسوان، ۱۳۱۱: ضمائم). به‌گفته وiliام میلر، مبلغ آمریکایی، در ۱۹۱۹م/ ۱۳۳۷ق حدود ۵۰۰ پسر و ۳۰۰ دختر، تنها در مدارس تبشیری در تهران تحصیل می‌کردند (Miller, 1995: 41-46). بدین ترتیب، مدارس تبشیری آمریکا مکان بسیار مناسبی برای ترویج اندیشه‌ها، روش و سبک زندگی متمدن غربی و آمریکایی بود.

۲.۵.۲. نشریات

هیئت‌های تبشیری آمریکا برای نشر اندیشه‌ها و عناصر فرهنگی و تمدنی، کتب و جرایدی منتشر کردند. آثار منتشره هیئت‌های تبشیری متنوع بود، اما اغلب کتاب‌های درسی مدارس تبشیری را در چاپخانه‌های خود منتشر می‌کردند، شامل عهد عتیق و جدید، حساب، تاریخ، جغرافیا، موسیقی، و نجوم. هیئت‌های تبشیری آمریکا در کنار چاپ این کتب، در سال ۱۸۴۹م/ ۱۲۶۵ق نشریه‌ای را به نام *پرتوهای نور*^۱ به زبان سریانی منتشر کردند (استادوخ، ۶۲-۱۲۵۶ق: ک ۵، پ ۱۳، ۴۰۶؛ حاجیان‌پور، ۱۳۹۵: ۳۶؛ Becker, 2015: 104). آن‌ها بسیاری از مبانی آموزشی و اخلاقی موردنظر خود را در قالب مقالات متنوع در اختیار خوانندگان قرار می‌دادند و تمدن غربی و مسیحیت پروتستان را القا می‌کردند. نمونه‌های بارز دیگر این نشریات، *مجله الادب* (که بعدها به *فردوسی* تغییر نام یافت) و *مجله عالم نسوان* بود. این مجلات وابسته به کالج تبشیری پسرانه و دخترانه آمریکا در تهران بود و در آن نیز اغلب محصلان و فارغ‌التحصیلان کالج آمریکایی تهران به ترجمه و تألیف مقالاتی پیرامون مشاهیر غرب، علم و فناوری غرب، و سبک زندگی غربی می‌پرداختند (الادب، ۱۳۳۶ق: ۱-۱۲؛ *عالم نسوان*، ربیع‌الثانی ۱۳۴۲؛ محرم ۱۳۴۰: ۳۴-۲۹؛ محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۲۴۶-۲۴۷؛ Ringer, 2004: 49-50). گفتنی است که شخصیت‌هایی چون سلطان محمد عامری، علی‌اصغر حکمت، علی‌پاشا صالح، اللهیار صالح، جهان‌شاه صالح، غلامحسین امینی، عطاءالله اتحادیه، سلیمان بیرجندی (حییم)، همدم نبوی، مهرتاج رخشان، پروین اعتصامی، خلیل

1. *Zahrir d-bahra or Rays of Light*

ستوده، ارسلان خلعتبری تنکابنی، احمد نخستین، و سیدجمال الدین طباطبایی از جمله نویسندگان مطالب و مقالات این مجلات بودند، چنانکه بسیاری از این شخصیت‌ها، در دوره پهلوی اول از جمله افراد تأثیرگذار در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران بودند (مختاری اصفهانی، ۱۳۹۶: ۱۲۵، ۱۳۰؛ عالم نسوان، ۱۳۰۳: ۱۶-۱۹؛ لادب، ۱۳۳۷: ۱۵-۱۹)

یکی از اهداف مهم این نشریات اصلاح اخلاقی جامعه ایرانی بود؛ از این رو، در این مجلات ارزش‌های اخلاقی تأییدشده هیئت‌های تبشیری آمریکا ترویج می‌شد و موارد اخلاقی نکوهیده از نظر آنان - مثل نوشیدن مشروبات الکلی، تعدد زوجات، و ازدواج زود هنگام دختران - مذمت می‌شد (فولادی پناه و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۰۰-۳۰۱؛ عالم نسوان، محرم ۱۳۴۰: ۱۷-۲۰؛ ربیع‌الثانی ۱۳۴۲: ۱-۳، ۲۶-۲۸؛ ۱۳۴۱: ۱۱-۹؛ Speer & Carter, 1922: 355-356). در واقع، نشریات وابسته به هیئت‌های تبشیری آمریکا، بخش مکمل فعالیت‌های هیئت‌های تبشیری در مدارس بود. بنابراین، هیئت‌های تبشیری آمریکا همواره برای ایجاد طرز فکر مدرن و مترقی در ایران، از نشریات استفاده کردند و در آن درباره هر آنچه می‌خواستند در جامعه ایرانی تغییر یابد، مقالات و مطالبی درج می‌کردند.

۲.۵.۳. بیمارستان

یکی از مهم‌ترین و بهترین راه‌های دسترسی هیئت‌های تبشیری آمریکا به توده مردم ایران، عرضه خدمات پزشکی بود، زیرا مردم ایران به دلیل دسترسی نداشتن به پزشکان ماهر و نیز فقر و تنگدستی، به خدمات پزشکی نیاز داشتند و هیئت‌های تبشیری آمریکا نیز به روش‌های مختلف - از جمله احداث بیمارستان، رفتن به منازل بیماران و اجرای تورهای پزشکی - تبشیری به دورافتاده‌ترین روستاها - قلوب قاطبه مردم را نسبت به خود و در وهله بعد نسبت به پذیرش مسیحیت منعطف می‌ساختند (Speer & Carter, 1922: 184-189). هیئت‌های تبشیری آمریکا با احداث بیمارستان و مراکز درمانی، به‌طور مستقیم با مردم ارتباط برقرار می‌کردند^۱ و با درمان بیماری و درد آن‌ها، نظرشان را جلب و از این

۱. نوع عملکرد هیئت‌های تبشیری و پزشکی آمریکا در ایجاد جاذبه و جلب علاقه مردم به آن‌ها تأثیر فراوانی داشت. یکی از شگردهای پزشکان تبشیری آن بود که به عرضه خدمات درمانی به نیازمندان می‌پرداختند. بدین ترتیب، بیمارانی که پولی نداشتند نیز درمان می‌گرفتند. این پزشکان حتی به معالجه دام و حیوانات می‌پرداختند، چراکه خانواده‌ها اغلب از نظر معیشتی و مالی به حیواناتشان نیازمند بودند؛ هیئت‌های تبشیری با درمان این حیوانات به مردم کمک

راه افکار و اندیشه‌های خود را به آن‌ها منتقل می‌کردند و به‌نوعی الگوی رفتاری مردم می‌شدند.

ساموئل گراهام ویلسون، مبلغ آمریکایی و مدیر مدرسه مموریال تبریز^۱، مزایای مهم تبشیر پزشکی را ذکر کرده است. او معتقد بود هیئت‌های تبشیری از این طریق به فقرا و توده مردم دسترسی می‌یابند. همچنین، خدمت‌رسانی به‌همراه محبت، در زمان ضعف مردم، دل‌های آنان را از کینه‌های قدیمی پاک و سرشار از عشق می‌کند (Wilson, 1896: 275-276). رابرت اسپیر، مبلغ آمریکایی، نیز درباره اهمیت تبشیر پزشکی چنین نگاشته است: «یکی از قدرتمندترین شاخه‌های فعالیت تبشیری در ایران، هیئت‌های تبشیری پزشکی است. هیچ‌کس نمی‌تواند قدرت کامل مبلغ پزشک را بشناسد، مگر اینکه آنچه را در سرزمین مسلمانان انجام داده است، ببیند.» (Speer, 1901: 232). همچنین، هیئت‌های تبشیری آمریکایی به‌واسطه به‌کارگیری هیئت‌های تبشیری پزشک زن برای درمان و معالجه زنان، توانسته بودند در میان زنان و خنله‌های ایرانی نفوذ پیدا کنند (The Seventieth Annual, 1907: 302-303; Hone & Dickinson, 1910: 95-96). حتی مقام‌های قاجار نیز به مراکز درمانی آمریکایی تمایل نشان می‌دادند. قهرمان میرزا عین‌السلطنه، در ۱۳۱۳ق/ ۱۸۹۵م، از طبابت پزشکان بیمارستان تبشیری اظهار رضایت کرده بود. او که بیمارستان تبشیری را با عنوان «مریضخانه ینگ‌دنیایی‌ها» نام برده، درباره هزینه و کیفیت درمان چنین گفته است: «...از اغنیاء فقط پول دوا می‌گیرند. از فقرا آن را هم دریافت نمی‌کنند. دوا مجانی می‌دهند. دسته‌دسته زن و مرد روز جمعه و دوشنبه آنجا می‌روند و بسیار خوب معالجه می‌کنند. یک نفر طبیب زن هم دارند. سال آینده مریض‌خانه هم برای زن‌ها می‌سازند. آن‌هم در همین مکان مریض‌خانه حالیه است، نزدیک پارک جناب امین‌الدوله» (قهرمان میرزا عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۸۶۵). دیکینسون و هون، از جمله اتباع انگلیسی بودند که در حدود ۱۹۱۰م/ ۱۳۲۷ق از بیمارستان میسیون در تهران بازدید و گزارش کردند تعداد کل بیمارانی که سالانه تحت درمان قرار می‌گرفتند به حدود ۲۰,۰۰۰ نفر می‌رسید و این تعداد شامل بیمارانی نمی‌شد که در خانه‌های خود ویزیت می‌شدند (Hone, 1910: 95-96).

می‌کردند و این‌گونه یک گام دیگر به آن‌ها نزدیک می‌شدند (نجف‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۴۸-۸۵۰؛ رادمنش، ۱۳۸۸: ۱۰۱؛ Speer & Carter, 1922: 179).

1. Memorial Training and Theological School of Tabriz

یکی دیگر از کارکردهای بیمارستان‌های تبشیری، تربیت پزشکان و نیروهای دلخواه هیئت‌های تبشیری آمریکا بود که طب مدرن غربی را در ایران اعمال می‌کردند. به‌طور مثال، ۳۴ پزشک از کالج طب تبشیری در ارومیه فارغ‌التحصیل شدند که ۲۸ نفر آن‌ها آسوری و ۵ نفرشان غیرمسیحی و از اهالی شهرستان خوی بودند (گورگیز، ۱۳۴۸: ۱۳-۱۴). هیئت‌های تبشیری پزشک، علاوه بر فعالیت پزشکی در بیمارستان‌ها، به امور تبشیری نیز می‌پرداختند. بدین ترتیب، هیئت‌های تبشیری آمریکا در بیمارستان مشهد، در اتاق‌های انتظار، بیماران و همراهانشان را تبشیر می‌کردند (نجف‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۵۹-۸۶۱). دکتر لوئیس اسلستاین^۱، مبلغ آمریکایی، درباره فعالیت تبشیری ضمن درمان در بیمارستان مشهد، بیان کرده است که در قسمتی از اتاق انتظار بیماران، مراسم یکشنبه برگزار می‌شد. همچنین، فروش کتاب مقدس و موعظه روزانه در طول هفته در آنجا انجام می‌گرفت. اسلستاین تأکید کرده است که «کار تبشیری—پزشکی» یا «پزشکی—تبشیری» به قدری نزدیک به هم پیش می‌رفت که هیچ‌کدام اول یا دوم نبود و «هر دو یکی بود». طبق گزارش‌های هیئت‌های تبشیری در مشهد، هیئت‌های تبشیری آمریکا توانسته بودند، ۴۱۶۵ نسخه از کتاب مقدس را در اتاق انتظار بیمارستان تبشیری بفروشند (One Hundred Fifteenth Annual, 1917: 301-302). به این ترتیب، هیئت‌های تبشیری آمریکا سعی داشتند با استفاده از مظاهر تمدن غربی و آمریکایی، از طرق مختلف، فرهنگ غربی و سپس مسیحیت پروتستان را به قشرهای مختلف ایرانی تزریق کنند.

۳. نتیجه‌گیری

در قرن نوزدهم میلادی، به دنبال تحولات و اصلاحات دینی در غرب، به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا، فعالیت‌های هیئت‌های تبشیری خارجی آمریکا، در مناطق مختلف جهان گسترش یافت. در این روند، ایران یکی از مناطق هدف بود که هیئت‌های تبشیری آمریکا در ۱۸۳۴م/ ۱۲۴۹ق به آن وارد شدند و به فعالیت پرداختند. با توجه به حساسیت‌های مذهبی حاکم بر ایران قاجاری، در خصوص ترویج مسیحیت در میان اکثر مسلمانان، هیئت‌های تبشیری آمریکا تمرکز خود را بر ترویج مسیحیت انجیلی پروتستان در میان نسطوریان منطقه آذربایجان گذاشتند. هیئت‌های تبشیری آمریکایی فعال در ایران که از ۱۸۷۰م، بیشتر از

1. Rev. Lewis F. Esselstyne

شاخه فرقه‌ پرزبیت‌ترین بودند، بر اساس ایدئولوژی الهیاتی خود، در کنار مسیحی‌سازی، در فکر متمدن‌سازی جامعه ایرانی بودند و این دو را مکمل یکدیگر می‌دیدند. بدین ترتیب، در قالب عرضه خدمات آموزشی و پزشکی و از طریق مدارس و بیمارستان‌ها و نشریات، توانستند با جامعه ایرانی ارتباط برقرار کنند، آن‌ها را متمدن سازند و به تبشیر آن‌ها بپردازند. چنانچه اسلستاین، چنین استدلال کرد: «...این مسئولیت مبلغان در ایران جدید است که هم رفاه مادی و هم نوسازی مذهبی را در چارچوب مسیحی ترویج دهند.» این کاری بود که هیئت‌های تبشیری آمریکا سال‌ها در ایران انجام می‌دادند (Davis, 2001: 217). پروژه متمدن‌سازی هیئت‌های تبشیری آمریکا چنان مشهود بود که عین‌السلطنه نیز درباره فعالیت‌های آنان در همدان چنین گفته است: «لان پنج زن و یک مرد آمریکایی در همدان‌اند. دو مرد از آن‌ها با دو زن به آمریکا رفته‌اند و باز خواهند گشت. اغلب یهودی‌ها را پروتستان کرده‌اند؛ به‌خصوص آن‌ها که 'سویلیزه' شده‌اند» (قهرمان میرزا عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۳۷۸/۱). هیئت‌های تبشیری آمریکا در پروژه مسیحی‌سازی ایرانیان چندان موفق نبودند، اما توانستند در زمینه متمدن‌کردن و غربی‌سازی جامعه ایرانی نقش مهمی ایفا کنند.

با توجه به نفوذ گسترده فرهنگ آمریکایی در ایران، به‌خصوص در دوره پهلوی دوم، و پیامدهای آن تا به امروز، نتایج این پژوهش گامی است در مسیر شناخت پایه‌گذاران فرهنگ آمریکایی و چگونگی فرایند گسترش این فرهنگ در ایران. امید است این پژوهش از جمله تحقیقاتی باشد که راه را برای انجام پژوهش‌های بعدی در خصوص موضوع «دیگری‌سازی شرق‌شناسانه هیئت‌های تبشیری آمریکایی از جامعه ایران و باورهای اسلامی مردم ایران» هموار سازد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری

در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

- الدر ج. (۱۳۴۹). تاریخ کلیسای مسیح؛ از سال ۱۶۰۰ تا ۱۹۷۰ میلادی. ترجمه سیمونیان و تهران: نورجهان.
- (۱۳۳۳). تاریخ میسیون آمریکایی در ایران. ترجمه آذری س. تهران: نورجهان.
- برومند ص. (۱۳۸۰). پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا C.M.S در دوره قاجاریه. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- حاجیان پور ح، خاموشی م. (۱۳۹۵). «میسیونرهای آمریکایی و فعالیت در میان نسطوریان ارومیه و روستاهای اطراف آن (۱۸۴۳-۱۸۳۵م/۱۲۵۹-۱۲۵۱ق)». جستارهای تاریخی. (۲)۷: ۱۹-۴۴.
- رادمنش م.ک. (۱۳۸۸). «بیمارستان و مدرسه‌ی پرستاری میسیونری آمریکایی مشهد». پژوهشنامه تاریخ. (۱۷)۵: ۹۳-۱۲۰.
- فرمانفرمایان س. (۱۳۸۳). دختری از ایران. ترجمه اعلایی م. تهران: کارنگ.
- فولادی پناه ا. (۱۳۹۰). بررسی فعالیت‌های کارملیت‌ها در ایران عصر صفوی و پیامدهای آن از دوران شاه‌عباس تا زوال صفویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران.
- فولادی پناه ا، کاظم بیگی مع، موسوی ج (۱۴۰۱). «بررسی پیامدهای فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در جامعه آسوری آذربایجان». مجله ادیان و عرفان. (۲)۵۵: ۲۹۳-۳۱۴. doi: [10.22059/jrm.2022.345963.630362](https://doi.org/10.22059/jrm.2022.345963.630362)
- قهرمان میرزا عین السلطنه. (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه. ج ۱. به کوشش سالور م و افشار ا. تهران: اساطیر.
- گورگیز ه. (۱۳۴۸). تاریخچه دانشکده پزشکی ارومیه. تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- لاکه‌هارت ل. (۱۳۸۳). انقراض سلسله صفویه. ترجمه دولتشاهی ا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محیط طباطبایی م. (۱۳۶۶). تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. تهران: بعثت.
- مختاری اصفهانی ر. (۱۳۹۶). حکایت حکمت: زندگی و زمانه علی‌اصغر حکمت شیرازی. تهران: نی.
- مک‌گراث آ. (۱۳۹۳). درسنامه الهیات مسیحی. ترجمه بیات م، شهبازی ع و دیگران. تهران: دانشگاه ادیان و مذاهب.

ناصر ش. (۱۳۲۳ ش / ۱۹۴۵ م). روش دکتر جردن. تهران: چاپخانه پاکتچی.
 ناطق ه. (۱۳۷۵). کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران. پاریس، خاوران.
 نجف‌زاده ع. (۱۳۹۴). کنسولگری‌ها، مستخدمان و مستشاران خارجی در مشهد (از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی). مشهد، انصار با همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مرکز شمال شرق کشور.
 والدبورگر آ. (۱۳۷۹). مبلغان آلمانی در ایران. ترجمه رحمانی ع و همکاران. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
 هاشمیان ه. (۱۳۹۰). «کتابچه احکام و تعلیقات و مراسلات در باب ارامنه و نصاری آذربایجان». پیام بهارستان. ۲(۱۱): ۶۹۹-۷۳۴.

- Ameer JP. (2008). *Assyrians in Yonkers: Reminiscences of a Community*. New Jersey: Gorgias Press.
- Anderson R. (1872). *History of the Missions of the American Board of Commissioners for Foreign Missions to the Oriental Churches*. Boston: Congregational Publishing Society.
- Balmer R. (1999). *Blessed Assurance: A History of Evangelicalism in America*. Boston: Beacon Press.
- Bassett Rev. J. (1890). *Persia Eastern Mission; A Narrative Founding and Fortunes of the Eastern Persia Mission, with a Sketch of the Versions of the Bible and Christian Litreture in the Persian and Persian-Turkish Languages*. Philadelphia: Presbyterian Board of Publication and Sabbath-School work.
- Becker AH. (2015). *Revival and Awakening: American Missionaries in Iran, and the Origins of Assyrian Nationalism*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Benjamin SGW. (1887). *Persia and the Persians*. London: John Murray.
- Bosch DJ. (1991). *Transforming Mission: Paradigm Shifts in Theology of Mission*. Maryknoll: Orbis Books.
- Boyce AC. (1954). *Alborz College of Tehran and Dr. Samuel Martin Jordan Founder and President*. Westminster Gardens Duarte, California.
- Britannica Encyclopedia of World Religions*. (2006). Safra JE (editor). London: Encyclopædia Britannica.
- Bushman RL. (1969). *The Great Awakening: Documents on the Revival of Religion, 1740-1745*. Chapel Hill: The University of North Carolina Press.
- Cairns EE. (1996). *Christianity through the Centuries*. Grand Rapids: Zondervan Academic.
- Coan FG. (1939). *Yesterdays in Persia and Kurdistan*. Foreword by Speer RE. California: Saunders Studio Press.
- Davis MM. (2001). *Evangelizing The Orient: American Missionaries in Iran, 1890-1940*. Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy. Graduate School of The Ohio State University, Ohio State University.
- Encyclopedia of Religion*. (2005). Jones L. (editor). Vol. 3, 9. Detroit, Thomas Gale.
- Fiske DT. (1868). *Faith Working by Love: As Exemplified in the Life of Fidelia Fiske*. Boston: Congregational Publishing Society.
- Frank D (1986). *Less Than Conquerors: How Evangelicals Entered the Twentieth Century*. Michigan: Eerdmans Publishing Company.
- Grabill JL. (1971). *Protestant diplomacy and the Near East: Missionary Influence on American Policy, 1810-1927*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Harris PW. (1999). *Nothing But Christ: The Ideology of Protestant Foreign Missions*. New York: Oxford University Press.

- Hone JM, Dickinson PL. (1910). *Persia in Revolution with Notes of Travel in the Caucasus*. London: T. Fisher Unwin.
- Hutchison WR. (1987). *Errand to the World: American Protestant Thought and Foreign Missions*. Chicago: University of Chicago Press.
- Jewett M. (1909). *Reminiscences of my Life in Persia*. Cedar Rapids, Iowa: The Torch Press.
- Kidd ThS. (2007). *The Great Awakening: The Roots of Evangelical Christianity in Colonial America*. New Haven: Yale University Press.
- Makdisi US. (2008). *Artillery of Heaven: American Missionaries and the Failed Conquest of the Middle East*. Ithaca: Cornell University Press.
- Malek Yonan I. (1898). *Persian Women: A Sketch of Woman's Life from the Cradle to the Grave, and Missionary Work Among Them, With Illustrations*. Nashville, Tenn., Cumbbrund Presbyterian Publishing House.
- Miller WME. (1995). *My Persian pilgrimage: An Autobiography*. California: William Carey Library.
- Nweeya SK. (1913). *Persia: Land of the Magi or Home of the Wise Men*. Philadelphia: John C. Winston Co.
- One Hundred Fifteenth Annual Report Board of Home Missions of the Presbyterian Church in the United States of America*. (1917). New York: Presbyterian Board of Publication.
- Oren MB. (2007). *Power, Faith, and Fantasy: America in the Middle East, 1776 to the Present Day*. New York: Norton & Company.
- Perkins J. (1843). *A Residence of Eight Years in Persia among the Nestorian Christians; with Notes of the Muhammedans*. New York: Allen, Morrill & Wardwell.
- Pfander CG. (1866). *The Mizan Ul Haqq; Or, Balance of Truth*. Translated into English by Rev RH. Weakley, London: Church Missionary House.
- Report of the American Board of Commissioners for Foreign Missions*. (1837). Boston: Crocker and Brewster.
- Ringer MM. (2004). "Rethinking religion: Progress and morality in the early twentieth-century Iranian women's press". *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*. 24(1): 47-54.
- Smith JH. (2015). *The First Great Awakening Redefining Religion in British America, 1725-1775*. Madison: Fairleigh Dickinson University Press.
- Smylie JH. (1996). *A Brief history of the Presbyterians*. Louisville: Geneva Press.
- Speer RE. (1902). *Missionary Principles and Practice; A Discussion of Christian Missions and of some Criticisms upon them*. New York: Freminc H. Revert Company.
- (1901). *Presbyterian Foreign Missions; An Account of the Foreign Mission of the Presbyterian Church in the U.S.A*. Chicago, Fleming B. Revell Company.
- Speer RE; Carter R. (1922). *Report on India and Persia, of the Deputation sent by the Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the U. S. A. to visit these fields in 1921-22*. New York City: The Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the U.S.A.
- The Seventieth Annual Report of the Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the United States of America*. (1907). New York: Presbyterian Church in the U. S. A.
- Waterfield RE. (1973). *Christians in Persia*. London: George Allen & Unwin.
- Wilson Rev. SG. (1896). *Persia: Western Mission*. Philadelphia: Presbyterian Board of Publication and Sabbath-School Work.

اسناد و نشریات

استادوخ: آرشیو اسناد وزارت امور خارجه. ۶۲-۱۲۵۶ق، کارتن ۵، پوشه ۱۳.

- مجله الادب. (رمضان ۱۳۳۷ق/ ژوئن ۱۹۱۹م). س ۲، ش ۶.
- (ربیع الثانی ۱۳۳۶ق/ زانویه ۱۹۱۸م). س ۱، ش ۱.
- عالم نسوان. (ربیع الثانی ۱۳۴۲ق/ نوامبر ۱۹۲۳م). س ۴، ش ۲.
- (محرم ۱۳۴۲ق/ سپتامبر ۱۹۲۳م). س ۴، ش ۱.
- (ذی قعدة ۱۳۴۱ق/ جولای ۱۹۲۳م). س ۳، ش ۶.
- (محرم ۱۳۴۰ق/ سپتامبر ۱۹۲۱م). س ۲، ش ۱.
- (رجب ۱۳۴۰ق/ مارس ۱۹۲۱م). س ۲، ش ۴.
- (شهریور ۱۳۱۱ش/ سپتامبر ۱۹۳۲م). س ۱۲، ش ۵.
- (سرطان ۱۳۰۳ش/ ژوئیه ۱۹۲۴م). س ۴، ش ۵.